

## دموکراسی اخلاقی ترین نوع سیاست ورزی است

### رامین جهانگللو

دموکراسی، جمهوری افراد متوسط و میان مایه نیست. دموکراسی یک نظام سیاسی مبتنی بر شایستگی و شایسته سالاری است و اگر دیدید در یک جامعه علیرغم سخن و شعار از دموکراسی، شایستگان حاکم نیستند، این پوپولیسم است نه دموکراسی! دموکراسی با عوام فریبی و دروغ قابل جمع نیست، دموکراسی شفاف و منتقد است و هدف مهم دموکراسی، ایجاد تساهل میان شهروندان است، البته گاهی نیز باید پذیرفت که نازیسم در آلمان به شکلی کاملاً دموکراتیک به قدرت رسید.

اظهارات رامین جهانگللو در سومین فستیوال سیاسی - فرهنگی دفتر تحکیم وحدت  
تاریخ سخنرانی: 9 مرداد 1384

در ادامه سومین فستیوال سیاسی - فرهنگی دفتر تحکیم وحدت که در محل دانشگاه صنعتی امیرکبیر برگزار می شود، عصر دیروز دکتر "رامین جهانگللو" از فعالان سیاسی - اجتماعی کشور طی سخنانی به بحث پیرامون " اخلاق دموکراتیک " پرداخت.

به گزارش خبرگزاری " مهر"، جهانگللو که یک موسسه مطالعاتی را اداره می کند، در سخنانش به تبیین و تعریف دموکراسی و اخلاق و " اخلاق دموکراتیک" پرداخت و گفت: سیاست الزاماً قلمرو اخلاق نیست، سیاست مثل اخلاق یک امر کلی و جهان شمول نیست و سیاست برخلاف اخلاق که فردی است، در قالب عملی و گروهی تعریف می شود، نباید سیاست را به قلمروی اخلاق گرا تقلیل داد.

وی گفت: " برخلاف اندیشه های افرادی مثل افلاطون و اندیشمندان قدیمی، انسان حال حاضر، انسان مدرن، بطور طبیعی و ذاتی موجودی سیاسی نیست و سیاست امروز صرفاً برای فرار از جنگ و خشونت و درگیری مورد استفاده قرار می گیرد.

او ادامه داد: دموکراسی اخلاقی ترین نوع سیاست ورزی است.

جهانگللو در توضیح نظریه خویش گفت: غایت سیاست، شناخت حقیقت نیست و حقیقت هم جوهر سیاسی ندارد و ما چیزی به نام " حقیقت سیاسی " نداریم و دموکراسی یعنی ابطال پذیری دائم هر چیز و اگر دموکراسی با حقیقت همراه شود، خود را نقض می کند، و جالب این جاست که دموکراسی تنها شکل قدرت سیاسی است که ابطال پذیر و انعطاف پذیر است.

وی سپس به زمینه های ایجاد دموکراسی در جامعه اشاره کرد و گفت: دموکراسی با شعارهای بزرگ و احساسی و عاطفی محقق نمی شود، نتیجه دموکراسی این است که از طرق بحث و گفتگو و بدون دخالت خشونت، اقتدار یک حزب به حزب دیگر منتقل می شود.

جهانگللو در بخشی از سخنانش گفت: " تاریخ نشان داده است که حق اکثراً با روشنفکران بوده است، مثل وقایع روی کار آمدن نازی ها در آلمان یا انقلاب روسیه که روشنفکران قبل از همه خطر را فهمیدند و هشدار دادند."

وی که آثارش بیشتر متوجه ترویج روشنفکری سکولار است، گفت: در دموکراسی، دولت دارای اختیارات محدود است و آن چیزی که در سیاست، دولت دموکراتیک را از دولت غیر دموکراتیک جدا می کند، تعادل و تمایزی است که بین اقتدار دولت و آزادی فرد وجود دارد.

وی در توضیح محاسن دموکراسی برای مخاطبانش گفت: در نظام دموکراتیک برخلاف همه رژیم ها و حکومت های قابل تصور در زمین، همیشه یک فضای خالی قدرت وجود دارد، کالبد قدرت توسط شخص ویژه ای پر نمی شود، قدرت در دموکراسی بی شکل است و از طریق مکانیسم رای گیری آزاد پر می شود، هدف دموکراسی نه تنها جلوگیری از اعمال خودسرانه قدرت است، بلکه هدف مهمتر جلوگیری از مقدس شدن و ماورایی شدن قدرت می باشد.

جهانبگلو در ادامه سخنانش به مخاطبانش توصیه کرد که کتاب "دموکراسی در آمریکا" نوشته "توکویل" را بخوانند و گفت: دنیای دموکراتیک اخلاقی ترین و صلح آمیزین دنیای ممکن برای بشر است و اکثر جنگها در طول تاریخ توسط حکومت های توتالیتر و استبدادی صورت گرفته است و اگر به تاریخ نیمه دوم قرن بیستم مراجعه کنیم همیشه با صلح مواجه هستیم چون ماهیت رژیم های این دوره معمولاً دموکراتیک بوده است.

وی در عین حال که از تنزل سیاست به ورطه اخلاق اظهار نا رضایتی کرده بود گفت: اصولاً تعهد به دموکراسی و جلوگیری از تمرکز قدرت بیشتر یک امر اخلاقی است نه صرفاً سیاسی، دموکراسی حکومت گفتگویی است.

این استاد دانشگاه اخلاق دموکراتیک را چنین تعریف کرد: " اخلاق دموکراتیک چیزی نیست جز یک تمرین روزانه آزادی و مساله اصلی ما دستیابی به یک توافق اخلاقی برای همزیستی سیاسی مسالمت آمیز دموکراتیک است" وی ادامه داد: دیکتاتوری مثل یک خیابان یک طرفه است اما دموکراسی یک ترافیک دو طرفه است، در کشوری که در حال گذار دفاع از اخلاق دموکراتیک یک اصل استراتژیک است، دموکراسی مشروعیت خودش را از دخالت عاقلانه سیاسی شهروندان می گیرد."

وی تاکید کرد: دموکراسی یک مبارزه خستگی ناپذیر برای دفاع از آزادی های فردی و شهروندی است و دموکراسی حتماً باید با شایستگی سیاسی و اخلاق مدنی و شایسته سالاری باشد. البته نباید فراموش کرد که دموکراسی یک وضعیت فوق العاده ظریف و شکننده است که همیشه با آزمون و خطای دائمی همراه است.

وی گفت: دموکراسی را باید از زندگی خصوصی خودمان شروع کنیم، دموکراسی یعنی احترام به تفاوت ها، دموکراسی با شعار محقق نمی شود با تمرین روزانه و روزمره فکری و سیاسی - اجتماعی محقق می شود.

جهانبگلو با بیان این نکته که " دموکراسی، جمهوری افراد متوسط و میان مایه نیست افزود: دموکراسی یک نظام سیاسی مبتنی بر شایستگی و شایسته سالاری است و اگر دیدید در یک جامعه علیرغم سخن و شعار از دموکراسی، شایستگان حاکم نیستند، این پوپولیسم است نه دموکراسی! " دموکراسی با عوام فریبی و دروغ قابل جمع نیست، دموکراسی شفاف و منتقد است و هدف مهم دموکراسی، ایجاد تساهل میان شهروندان است، البته گاهی نیز باید پذیرفت که نازیسم در آلمان به شکلی کاملاً دموکراتیک به قدرت رسید.

این فعال و محقق اجتماعی سپس با هشدار و نگرانی نسبت به رواج پوپولیسم در جامعه ایرانی در توضیح در مورد مفهوم پوپولیسم ( عام گرایی و عوام فریبی) پرداخت و گفت: در نظام های پوپولیستی یکی از راههای مبارزه با پوپولیسم، آموزش و روشن ساختن شهروندان از طریق ایجاد تشکل های غیردولتی است.

وی ابراز عقیده کرد: " بدون داشتن اخلاق دموکراتیک، شهروندان خیلی زود توانایی خودشان را برای پاسخگو کردن حکومت از دست می دهند. در نظام های پوپولیستی همیشه نظریه توهم جایگزین شناخت و شفافیت می شود، پوپولیست ها بیش از آنکه به " نهاد جامعه مدنی " اعتقاد داشته باشند به " توده ها " اعتقاد دارند و همواره به اسم مردم حرف می زنند و جالب اینجاست که هیچ وقت از حق مشارکت مردم و قدرت انتخاب مردم حرف نمی زنند، پوپولیست ها مدافع "توده ها" و کوبنده " شهروندان " هستند. پوپولیست ها روایت آرمانی از مردم دارند و دشمن جامعه مدنی و نهادهای مدنی هستند.

جهانبگلو گفت: پوپولیست ها مدعی دفاع از اخلاق و جمعی کردن اخلاق هستند، ولی این کار کاملاً اشتباه است، اخلاق مساله کاملاً فردی و نسبی است. پوپولیست ها مدعی مبارزه با فساد هستند ولی با عملکردشان، جامعه را به فساد اخلاقی و سیاسی می کشانند.

در پایان سخنرانی جهانبگلو، او به سنوالات حاضران پاسخ داد، خبرنگار سیاسی " مهر " از جهانبگلو پرسید: در صورت وجود اختلاف و تضاد در بین انجمن ها و نهاد های مدنی که به گفته شما مایه و بستر دموکراسی را تشکیل می دهند، مرجع دموکراسی و رفع این اختلافات کیست یا چیست؟

وی پاسخ داد: مردم مرجع دموکراسی هستند، آنها هستند که تعیین می کنند حق با چه کسی است.

جهانبگلو در پاسخ به سوال یکی از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه امیر کبیر که پرسید به نظر می آید بر خلاف اعتقاد خیلی ها، روی کار آمدن احمدی نژاد، باعث شکوفایی جامعه مدنی و ایجاد و تقویت نهادهای مدنی و بلوغ و گسست کامل آنها از قدرت می شود، آیا شما با این تحلیل موافقید، پاسخ داد: بله موافقم، به قول ژان پل سارتر،

فرانسه هیچ وقت به اندازه زمان دولت ویشی ( دولت دست نشانده نازی ها در فرانسه تحت اشغال در زمان جنگ جهانی دوم ) آزاد نبوده است ، شما باید آنقدر تلاش کنید و این تلاش و تمرین روزانه شما برای دموکراسی و تمرین روزانه روشنفکری و فعال شدن زنان و ... باعث خواهد شد که وضع عوض شود. در مورد دولت احمدی نژاد ، فکر نمی کنم اوضاع خیلی متفاوت از دوران خاتمی شود، فقط ممکن است فشارهای بین المللی زیاد شود. شما باید تلاش کنید گفتمان تان را وارد جامعه کنید، کاری که جنبشهای فمینیستی و طرفدار محیط زیست در اروپا در سالهای دهه 60 و هفتاد کرد و نتیجه اش ایجاد احزاب سبز در سراسر اروپا است که امروز یکی از احزاب موفق و قوی در سطح غرب هستند.

جهانبگلو سپس به نقد عملکرد اصلاح طلبان در 8 سال اخیر پرداخت و گفت: پوپولیست ها بخاطر بی اعتمادی مردم به اصلاح طلبان در جامعه ما شکل گرفتند، واقعیت این است که اصلاح طلبان به مردم دروغ گفتند ، من هیچ وقت طرفدار اصلاح طلبان نبوده ام ، دانشجویان ما فکر کردند که خاتمی ، گاندی ایران است ، ولی آیا واقعا خاتمی گاندی ایران بود؟!

جهانبگلو اضافه کرد در یک میزگرد و مناظره ای که یک روزنامه دانمارکی بین من و آقای علوی تبار گذاشته بود ، مجری مراسم سئوالات خیلی جالب و ریزی از من و علوی تبار کرد؛ سئوالات مجری اینها بود: آیا با همجنس بازی موافقت میکنید؟ این حق را به دخترتان می دهید که شبی را با یک مرد بیگانه به سر ببرد؟ آیا موافق حقوق اقلیت هایی مثل بهایی ها و... هستید؟ و ..

وی افزود: پاسخ علوی تبار به همه این سئوالات منفی بود و من آنجا به علوی تبار گفتم که شماها به دروغ می گوئید که اصلاح طلب هستید، نمی شود شما با حقوق اقلیت ها مخالف باشید و ادعای اصلاح طلبی و روشنفکری هم بکنید.

جهانبگلو در پایان اظهار داشت: من مثل شریعتی اعتقادی به تعهد انقلابی ندارم ، من به تعهد روشنفکری اعتقاد دارم، از جانب روشنفکران دینی خیلی با خشونت با ما روشنفکران سکولار برخورد شد، نه با ما مناظره کردند و نه به گفتگو نشستند ، حتی گفتند که ما از وزارت اطلاعات پول گرفتیم تا با آنها درگیر شویم. آقای سروش اگر می خواهد خودش را مولوی شناس و حافظ شناس بخواند، مشکلی نیست، ولی اگر بخواد خود را روشنفکر بداند این قابل قبول نیست.

منبع: خبرگزاری مهر